

نقد راهبردهای سیاسی - استعماری «نو و فرانو» امریکا بر مبنای بررسی و تحلیل «اسناد سفارت امریکا در ایران»

سیدرضا حسینی*
کمیل نقی پور**

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی جایگاه راهبردهای سیاسی و امنیتی در سیاست های استعمار نو و فرانو در اندیشه سیاسی امریکا «بر اساس اسناد سفارت امریکا در ایران» بوده است. جامعه آماری شامل کلیه اسناد به دست آمده از سفارت امریکا می باشد که بیش از ۵۰۰ سند در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و متن ۲۰ سند مهم به عنوان مبنای نقد و بررسی استفاده شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی اسناد سفارت امریکا مشخص شد این کشور راهبردهای دستیابی به منافع ملی خود را در قالب سیاست های استعماری نو و فرانو تدوین کرده است.

در این بین سفارت امریکا در ایران به مثابه مرکز فرماندهی عملیات نقش مهمی در طراحی و اجرای عملیات های متنوع در حوزه های گوناگون به ویژه حوزه های سیاسی و امنیتی دارد. ارتباطات گسترده سفارت با بخش های امنیتی و سیاسی امریکا، اجرای سیاست های امنیتی و نظامی لازمه نقشی بوده که برای سفارت امریکا در ایران در نظر گرفته شده بود. محور سیاست های استعماری نو و فرانو در حوزه سیاسی و امنیتی ایجاد کادر مستشاری قوی، تربیت و نفوذ افراد وابسته در ساختار نهادهای رسمی و غیررسمی و وابستگی به تکنولوژی آمریکایی بوده است.

کلیدواژه‌ها: استعمار فرانو، اندیشه سیاسی، سفارت خانه، سیاست، انقلاب

* دکترای اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران hoseinni@gmail.com

** کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول) k.naghipoor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲

۱. مقدمه

با انقلاب صنعتی و نهضت اصلاح دینی، اروپا وارد عرصه نوینی شد که موسوم به دوره استعمار می‌باشد. عرصه ای که طی دو مرحله تکامل امروزه از سوی کشورهای پسامدرنیته داری به ویژه آمریکا برای کنترل دیگر کشورها و برای زیر سلطه درآوردن آنان پیگیری می‌شود.

در دوران اول استعمار که به استعمار کهن معروف است هر چند به صورت پراکنده ریشه چند هزار ساله دارد و با روی کارآمدن امپراطوری های کهن در شرق جهان ارتباط دارد با این حال شکل نظام یافته آن از دوران رنسانس آغاز شده است.

از اواخر قرن ۱۵ میلادی و با گسترش صنعت جدید که بر پایه تولید محصول به منظور انباشت سرمایه شکل گرفت تجارت اهمیت فراوانی یافت. علاوه بر تجارت کسب مواد اولیه و نیروی کار ارزان محرک های قوی برای واداشتن امپراطوری های غربی به توسعه طلبی و زیر سلطه قرار دادن دیگر مناطق جهان به حساب می‌آمد.

بریتانیا، فرانسه، اسپانیا، هلند، پرتغال، پروس، روسیه تزاری، ایتالیا و ... از جمله کشورهای بودند که با اتکا توان نظامی خود سعی در زیر سلطه قرار دادن مناطقی از آسیا، آفریقا و قاره تازه کشف شده آمریکا داشتند.

شاخصه اصلی استعمار کهن اتکای کشورهای استعمارگر به توان و بنیه نظامیشان بود، به بیان دیگر قدرت سخت حرف اول را در معادلات استعماری کشورها می‌زد.

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، همراه با بیداری ملت‌های مستعمره و افزایش هزینه های کشورهای استعمارگر در نتیجه حضور مستقیم نظامی در دیگر کشورها، استعمار قدیم جای خود را به استعمار جدیدی داد که اهداف خود را با شیوه‌ها و ابزارهای متفاوت از استعمار کلاسیک پی می‌گرفت. استعمار جدید که در ادبیات سیاسی به استعمار نو موسوم شده بر پایه روی کارآوردن افراد کاملاً وابسته و سرسپرده استوار شده است. استعمار نو ادامه فرایند استعمار کهن بوده و از این جهت مورد توجه کشورهای استعمارگر قرار گرفت که با دردسر و هزینه های کمتر و از طریق طبقه نخبه وابسته سیاست های استعماری خود را دنبال می‌کنند. به بیان دیگر هر چند در دوران استعمار نو در ظاهر فرماندار نظامی کشور استعمارگر حاکم اصلی منطقه یا آن کشور نمی‌باشد اما در حقیقت طبقه وابسته بومی آن کشور همان سیاست ها را با کمترین میزان استقلال نسبی پیگیری می‌کند.

مرحله سوم استعمار که به استعمارفرانو مشهور است در ادامه فرایند تکاملی استعمار و پس از مشخص شدن برخی نقاط ضعف سیاست های استعمارنو شکل گرفت. بزرگترین نقطه ضعف استعمارنو که مقاومت های مردمی را در کشورهای وابسته به دنبال داشت، ارجحیت یافتن منافع کشور استعمارگر بر منافع کشور مستعمره از سوی حکام وابسته داخلی بود.

همین مساله کشورهای استعمارگر را مجبور کرد برای حفظ حوزه استعماریشان، استراتژی خود را تغییر داده که در نتیجه آن سیاست های استعماری فرانو شکل گرفت. استعمار فرانو شیوه ای از سلطه است که طی آن سیاست های استعماری به شکل باواسطه و در عین حال پراکنده در چارچوب نهادها و سازمان های درون کشورها و با استفاده از ابزارهای بین الملل اعمال می شود. کنترل فراگیر از مشخصات و تمایزات اساسی استعمار فرانو از اشکال پیشین استعمار می باشد که با ابزار فرهنگ، اقتصاد، سیاست و نظامی گری اعمال می شود. (الهی ۱۳۸۳، ۷۲)

راهبرد اصلی در سیاست های استعماری فرانو تربیت افراد وابسته به صورت غیرمستقیم (از طریق رسانه ها، سیستم آموزشی و ...) و انکار وابستگی سازمانی این دسته از افراد از سوی کشورهای استعمارگر است. به این ترتیب کشورهای استعمارگر هزینه ای که در راستای اجرای سیاست های استعمارنو بر آنها تحمیل شد یعنی مقاومت های مردمی و اعتراضات آنان علیه حکام و نخبگان وابسته که در برخی کشورها منجر به انقلاب و روی کار آمدن نخبگان جدید و در نتیجه خارج شدن آن کشور از حوزه استعماری کشور استعمارگر می شد، با بهره گیری از سیاست های استعمارفرانو کاهش دادند.

البته یکی از ویژگی های چهره های تکاملی استعمار یعنی استعمارنو و استعمارفرانو بهره گیری از راهبردهای استعماری دوران پیش از خود نیز است.

به این معنا که هرچند در استعمارنو برخلاف استعمار کهن دیگر نیروی نظامی قدرتمند و لشگرکشی های نظامی محوریت نداشتند اما کشورهای استعمارگر بنا به فراخور از حربه نیروی نظامی و لشگرکشی نظامی برای روی کار آوردن حکام وابسته استفاده می کردند.

یا در راستای سیاست های استعماری فرانو کشورهای استعمارگر علاوه بر مشخصه اصلی استعماری این دوره یعنی تربیت افراد وابسته استفاده می کردند اما بنا به فراخور از دست نشاندگی حکام وابسته یا بهره گیری از نیروی نظامی نیز بهره می جستند.

در حال حاضر ایالات متحده به عنوان کشور مرکزی استعمارگر با بهره گیری از سیاستهای استعماری فرانو به بهانه آنچه که حفظ منافع ملی آمریکا می خوانند کشورهای دیگر را به زیر سلطه کشیده یا سعی در سلطه پذیر کردن آنان دارد.

البته شرایط فعلی مرحله گذار از استعمار نو به استعمارفرانو می باشد به همین دلیل انفکاک سیاست های استعمارنو و فرانو از یکدیگر سخت می شود به ویژه آنکه همانگونه که گفته شد استعمار فرانو در دل خود سیاست های استعماری نو و کهن را نیز دارا می باشد. سیاستهایی که جز سری ترین سیاستهای کشورهای استعمارگر به حساب می آید.

با این حال با تسخیر سفارت آمریکا در ایران در سال ۱۳۵۸ منبع مناسب و مستندی برای بررسی جایگاه طرح های استعماری ایالات متحده در سایر کشورها به ویژه ایران به دست آمده است.

اسناد لانه جاسوسی در ابتدا توسط دانشجویان پیرو خط امام در ۷۴ جلد (تقریباً ۱۰۰ صفحه ای) منتشر شده بود اما موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی این اسناد را در ۱۱ جلد در مجموع بیش از ده هزار صفحه منتشر کرده است.

این موسسه همچنین برای سهولت استفاده محققین متن اسناد حروفچینی شده و تصاویر اسناد هر جلد را در یک قطعه CD با قابلیت جستجو در متن به همراه کتاب ارائه کرده که در این پژوهش استفاده شده است.

همانگونه که در چکیده ذکر شد جامعه آماری شامل کلیه اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا می باشد که در مرحله دوم بیش از ۶۰۰ سند درباره موضوع تحقیق از این کتب استخراج و در نهایت متن ۲۰ سند مهم و منتخب که بیشترین هم پوشانی را نسبت به سایر اسناد داشتند به عنوان مبنای نقد و بررسی استفاده شده است.

این تحقیق به دنبال آن است با شفاف سازی روابط دولت آمریکا با ایران بر مبنای بررسی اسناد به دست آمده از سفارت این کشور در تهران و نقد مدل سیاست وزی استعماری ایالات متحده یک تصویر واضح از اهداف و علت راهبردهای سیاسی و امنیتی به اجرا در آمده یا در دست اجرا از سوی آمریکا ارایه دهد یا به بیان دیگر بررسی این سؤال که ایالات متحده برای حفظ استیلای خود بر کشور ایران و بر مبنای سیاست های استعمارنو و استعمارفرانو چه طرح هایی را در این دو حوزه اجرایی کرده است؟

۲. اهداف استعماری آمریکا از قبال رابطه با ایران

برای آنکه بتوان تحلیل دقیق و موشکفانه از راهبردهای سیاسی آمریکا برای حفظ و کنترل ایران در حوزه کشورهای تحت نفوذ خود به دست آورد در ابتدا باید دید که ایران چه اهمیت و جایگاهی در بین مقامات آمریکایی و به صورت کلی تر برای پشبرد اهداف و منافع آمریکایی ها داشته است.

برای بررسی این موضوع از یکی از اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا که در تاریخ ۲ ژانویه ۱۹۷۷ (۱۲ دی ۱۳۵۵) تنظیم شده ، استفاده شده است. بر اساس اطلاعاتی که در این سند آمده است.

در ابتدای این سند آمده است:

مدت تقریبی ۳۰ سال است که وابستگی وسیع و گسترده آمریکا با اهمیت خاص ایران از جهت حمایت و منافع ملی اصلی آینده ایالات متحده آمریکا مطابقت دارد. روابط اولیه ما خیلی کم و بر پایه عوامل سیاسی جغرافیایی قرار داشت اما حالا در بر گیرنده مناطق زیادی از حکومت داخلی و وابستگیهای بخش خصوصی میباشد. جریاناتی در مقابل ما قرار گرفته که می تواند اصطکاک های جدی به وجود آورد اما منافع ملی زیر بدون تغییر باقی مانده اند (اسناد لانه جاسوسی آمریکا جلد اول، ۴۵۱)

۲-۱. مانع برای اهداف شوروی

در ادامه این سند و در توضیح اهداف و منافی که بین ایران مشترک است به نقش و جایگاه شوروی و هراس از نفوذ شوروی به منطقه خاورمیانه اشاره شده است.

در سال ۱۳۵۵ و بحبویه جنگ سرد میان آمریکا و شوروی ایران به مثابه سد نفوذی برای پیشروی شوروی به منطقه خاورمیانه به حساب می آید. به این مساله در سند مذکور این گونه اشاره شده است:

منافع دوجانبه برای جلوگیری از نفوذ و قدرت شوروی به خصوص در خاورمیانه موضوعی است که به عنوان اساس روابط ما با ایران باقی مانده است. نزدیکی ایران به شوروی و تجربه ای که ایران از وسعت طلبی تاریخی شوروی دارد و رهبری ضد کمونیستی قوی (ایران) منجر به اشتراک نقطه نظرهای هر دوی ما در رابطه با سیاستهای خارجی دنیا گشت که اولین بار صراحتاً توسط رئیس جمهور ترومن اعلام شد. در رابطه با این همکاری هر دوی ما منافع زیادی به دست آورده ایم.

آمریکا تنها کشور غربی بوده و هست که قادر است در نهایت مانعی در مقابل شوروی برای حمایت از ایران باشد. در دو دهه اول بعد از جنگ ایران یکی از گیرندگان کمکهای مالی و فکری آمریکا بوده و برای ما نقش مؤثری جز عضویتش در پیمان سنتو و پیش بینی خبرهای متعدد و تجهیزات نظامی بازی نکرده است. این اوضاع تغییر کرده و امروز ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای، قدرت مالی و نفوذ آن را دارد که بیشتر خودش کارها را انجام دهد. ایران می تواند نقش مهم مستقلى در خاورمیانه، جنوب آسیا و اقیانوس هند برای پیشبرد ثبات منطقه ای ایفا کرده و با فعالیت و سیاستهای روسیه با نیروهای هر قدرت منظم دیگر روبرو شود.

۲-۲. دسترسی به موقعیت بی نظیر سیاسی جغرافیایی ایران

یکی دیگر از عواملی که موجب شده ایران جایگاه ویژه ای برای آمریکا پیدان کند موقعیت جغرافیایی ایران بوده است. در نامه مذکور در این رابطه آمده است: ما محل مناسب دیگری نداریم که بتوانیم از خاک آن این استفاده ها را که در خاک ایران می بردیم داشته باشیم. نقطه عملیات دستگاههای اطلاعاتی آمریکا در ایران گزارش قاطعی درباره عملیات نظامی شوروی به خصوص در زمینه پیشرفتهای موشکی و در مورد همبستگی شوروی با پیمان سالت در اختیار ما قرار داده حق پرواز بر خاک ایران برای ما مسیر مناسب هوایی بین کشورهای اروپایی و کشورهای شرق ایران به وجود می آورد. به علاوه حق فرود آمدن از لحاظ تحت نظر داشتن دریای عمان و مرزهای شوروی برای ما اهمیت خاصی داشته است.

۲-۳. تهیه نفت برای آمریکا و متحدان او

نفت به عنوان مهم ترین ماده خام برای صنعت کشورهای سرمایه دار همواره جز اولویت های مهم این دسته از کشورهای در تعامل با کشورهایی بوده که صادرکننده اصلی این ماده گرانبها بودند. منابع نفتی ایران نیز یکی از عوامل جلب توجه آمریکا به ایران و تحت سیطره در آوردن آن بوده است.

مامور سفارت آمریکا در این باره نوشته است:

اگرچه ایران یکی از اولین افزایش دهندگان قیمت نفت بوده و وجود ما را در این موضوع فراموش کرده ولی به هر حال ایران مقدار زیادی نفت برای آمریکا و متحدانش

صادر می کند و بیش از ۸ درصد نفت وارداتی ایالات متحده از ایران وارد می شود و بیش از ۱۶ درصد نفت ایران برای اروپای غربی و تقریباً ۲۴ درصد برای ژاپن و ۷۰ درصد نفت اسرائیل از ایران تأمین می شود. با وجود کشمکشهای لاینفک در روابط خرید و فروش ایران برای ما یک منبع نفتی مستقل بوده است. ایران در سالهای ۷۴ - ۱۹۷۳ برخلاف پیمان اعراب در تحریم حمل و نقل نفت به اسرائیل شرکت نکرده و صدور نفت خود را به این کشور ادامه داده است. رهبران ایران غالباً اظهار داشته اند که ایران در جنبشهای سیاسی تحریمی شرکت نخواهد کرد.

۲-۴. توسعه و پیشرفت ثبات منطقه‌ای

علاوه بر موارد ذکر شده، سیاست سد نفوذ ترومن و دکترین ژاندارم منطقه کیسینجر و نقشی که ایران به عنوان ژاندارم منطقه خلیج فارس برای آمریکا بازی می کرد سبب شده بود ایران جایگاه ویژه ای برای آمریکا داشته باشد:

سیاست آمریکا در سالهای گذشته این بوده که به ایران کمک کرده و او را تشویق نماید که یک قدرت منطقه ای با مسئولیتهای محدود امنیتی و یک نقش مؤثر در پشتیبانی از منافع دوجانبه ما بازی کند. ایران این نقش را قبول کرده برای اینکه این موضوع بانقطه نظرهای شاه که ایران نقش اساسی در منطقه دارد تطبیق می کرد. و ایران قدرت نظامی را در عمان به کار گرفته و از قدرت مالی برای وام دادن به هندوستان، پاکستان، مصر، اردن و سوریه استفاده کرده و دارای نفوذی در کمک به حل روابط منطقه منجمله برقراری مجدد روابط هند با پاکستان و افغانستان بوده است.

ایران تنها قدرت منطقه است که قادر بوده پیشرفتهایی در زمینه روابط اطمینان بخش چه با اعراب و چه با اسرائیل به دست آورد. رهبران ایران در یک تماس و مذاکره نزدیک با ایالات متحده بوده و سیاست محافظه کارانه را در پیش گرفته و سادات و اسد را تشویق به برداشتن قدمهایی به طرف صلح کرده و در مرحله نهایی قسمت دوم مذاکرات صحرائی سینا (در جایی که اسرائیل بایستی مناطق نفتی اشغال شده مصر را پس دهد) با به کار بردن سیاست ایران منابع قابل اطمینانی برای اسرائیل نگهداری کرده.

بالاخره ایران به عنوان قوی ترین قدرت خلیج فارس در جستجوی ترتیباتی در زمینه شکل امنیتی با دیگر کشورهای خلیج فارس بوده اگرچه سوءظن های ایرانیان سنت گرا از این واقعیت در آینده نزدیک باعث شود که احتمالاً بخواهند از آن جلوگیری

کنند. در حالی که ما نیروهای مخالفی هم در مقابل منافع خود می بینیم که این شکل امنیتی ایران و اعراب خلیج فارس احتمالاً یک برگ برنده ای برای ما خواهد بود." (همان)

۳. حوزه استعماری امریکا در ایران

در ماه های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب با توجه به مشکلاتی که برای پشبرد سیاست های امریکا در ایران به وجود آمد و شناخت مقامات آمریکایی از موضع امام خمینی و مردم در مقابل این کشور آنان به این نتیجه رسیدند که این حکومت را نمی تواند از طریق معمول و آنچه که در کشورهای دیگر از طریق اشغال و کودتا عمل می کردند سرنگون کنند. لذا دست به طرح یک سیاست بلند مدت می زند تا بعد از چند سال بتواند دوباره سلطه سیاسی - اقتصادی خود را بر ایران حاکم کند.

درحقیقت امریکا به خوبی دریافته بود که جریان امام ضد امریکا و ضداستبداد است تنها محافظه کاری و دوری از روحیه انقلابی است که می تواند این حالت انقلابی را که در آن نفوذ و استیلای امریکا محدود شده و یا از بین می برد متلاشی کند و به نفع امریکا به عقب براند.

طبیعی است که امریکا این نیت خود را درجای به خصوصی جستجو می کند که عمدتاً پایگاه آن تفکر و خواست امریکا خواهد بود. محافظه کاران ، میانه روها و ... پایگاه این خواست امریکا در ایران می باشند و بالطبع اولین هدف نفوذ این کشور در ایران به حساب می آیند.

امریکا با این تحلیل از قضایای ایران و با توجه به خط مشی اساسی خود وارد انقلاب ایران می شود و درقبال هریک از نیروهای انقلاب و جریانات اجتماعی سیاسی یک نوع سیاست اتخاذ می کند و در نهایت به وسیله فعالیت فرهنگی گسترده خود می خواهد در توده های مردم نفوذ کرده و سلطه فرهنگی خود و درنهایت منافع خود را در ایران دوباره زنده کند. در واقع در شرایطی که نگاه عموم مردم جامعه نسبت به نقش و جایگاه امریکا منفی است فعالیت های امریکا در بخش فرهنگی متمرکز می شود تا نگاه عمومی را به سود خود تغییر کند. بنابراین تغییر نگاه فرهنگی مردم برای فراهم سازی شرایط جابجایی نخبگان انقلابی با نخبگان میانه رو طرفدار امریکا نیز از سیاست های کلی استعماری این کشور به حساب می آید تا در نهایت به سرنگونی رژیم مخالف با سیاست های امریکا یا استحاله آن و شکست انقلاب ضدآمریکایی منجر شود. این

گزاره از اطلاعاتی که از اسناد لانه جاسوسی به دست آمده و در ذیل به آن اشاره شده قابل اثبات است:

۳-۱. ارتباط گیری با افسران از طریق تبادلات اطلاعات

ما باید به ادامه تبادلات اطلاعاتی خود با ایرانیان ادامه دهیم؛ زمانی که این تبادلات عملی شد جستجو را برای به کار گرفتن افسران نظامی ایران برای داخل شدن در یک امتحان از تهدید نظامی آغاز کند (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد اول ۹۶).

۳-۲. وابسته کردن ارتش به عنوان نیروی تاثیرگذار سیاسی - اجتماعی

با توجه به احتیاج ایران به قطعات یدکی و احتیاط سوءظن دار ایران در مورد سپرده های فروشهای نظامی در آمریکا ما باید مسئولانه عمل کرده و بازرگان راقدرت بدسیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش دوستانی خواهیم داشت که می توانند معضلات سیاسی مملکت را راهگشا باشند... (همان صفحه ۱۲۳)

۳-۳. تحریک گسل های اجتماعی و سیاسی بر روی اقلیت ها

- اجازه دهید که به یک موضوع در این خصوص اشاره کنم. از نظر ما، چنانچه محدوده ای وسیع تر از آنچه لازم است پی به اعمال ما در مناطق دارای اقلیتها ببرند خواسته های ما به مخاطره خواهد افتاد... (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد هشتم ۲۱۷)

- من (جان گریوز) دو سناریو (برنامه و طرح) را که می تواند منجر به هرج و مرج گردند در نظر دارم.

الف) یکی از نیروهای تمرکز یافته ای که توسط نارضایتیهای منطقه ای و قومی تحریک شده باشد و اگر به اینها به اندازه کافی به طرز غلطی رو به رو شوند ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردند و یا اقتصاد نفتی را از هم بپاشد و یاجوری ملی گرایی را خراب کند که توده ها با رهبران مذهبی بی عرضه خود مخالف شوند.

ب) نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادر مدارس و یا هر دو که منجر به بسته شدن مدارس یا محیط خشونت های افراطی که باعث نارضایتی عمومی و همچنین به شیوه قبل از انقلاب چهل هابی بعد از چهل گرفته شود. شیوه ای که نقش بزرگی در سقوط شاه داشت. (همان، جلد اول ۸۸)

۳-۴. بهره‌گیری از ابزار فرهنگی برای پیشبرد اهداف سیاسی

در این رابطه باید متذکر شد که به تازگی برنامه‌های خارجی رادیو، شنوندگان بسیار زیادی پیدا کرده است. کسانی که با خمینی می‌جنگند و طرفداران آنها می‌خواهند خبرها را از صدای آمریکا کسب کنند. شما می‌توانید از نفوذ خود در رادیو صدای آمریکا استفاده کرده و از راه تأکید بیشتر بر روی مشکلات مهم آنها و بازگو کردن علل آن عکس‌العمل سریعتری بر روی اعمال مقاوم و متقابل نشان دهید. من می‌دانم این صدا کاری ناچیز است ولی اثر روانشناسی فوق‌العاده‌ای دارد و بسیاری از افراد مقاوم به میزان همدردی و همفکری ما از طریق این صدا پی می‌برند. (همان، جلد هشتم ۲۲۰)

۳-۵. بهره‌گیری از شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای نفوذ

در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند پس باید از در مسالمت‌آمیز با ایران درآمد و به گسترش کارهای عملی کمک نمود. (همان، جلد چهارم ۱۰۵)

۳-۶. جلب اعتماد مقامات از طریق گفتگو و پنهان‌کاری

- ما فکرمی کنیم که در ملاقاتهای اولیه تاجایی که ممکن است باید به دولت موقت تأکید کنیم که خطرات داخلی ایران کاملاً از پشتیبانی کشورهای خارجی برخوردار است و طوری وانمود کنیم که ما را آشوبهای داخلی دولتی و کشوری ایران مبرا سازد. البته کار مشکلی خواهد بود ولی باید تلاش مداوم پیگیری شود. (همان، جلد اول ۹۷)

- در تماس‌هایی که با تبعیدیان ایرانی در اروپا داریم خیلی الزامی است که هیچ‌گونه اثری که نشانگر آن باشد که دولت آمریکا قصد مداخله در جریان‌ات داخلی ایران را دارد یا اینکه با گروه‌هایی که علیه دولت جدید ایران نقشه می‌کشند همکاری می‌کند باقی نماند. (همان)

۴. نقد و بررسی ابزارهای سیاسی آمریکا در قبال ایران

باتوجه به مدارک به دست آمده از سفارت آمریکا که در بالا به آن اشاره شد، این کشور در راستای سیاست‌های استعماری نو و فران از دو طریق می‌خواسته حکومت و انقلاب ایران را به نفع خود متلاشی کند.

۱. از شیوه تخریب و به اعتصاب کشیدن مردم، رو در رو قراردادن ملتها با حکومت، فلج کردن مدارس به وسیله تخریب و تهاجمات افراطی، استفاده از ضرباتی که ارتش چه به طریق کودتا و چه به طرق دیگر می تواند بزند که همه این جریانات را به وسیله شبکه ها و عوامل سرسپرده خود در ایران می خواهد اجرا نماید. (این درست شیوه ای است که انقلاب شیلی را به زانو در آورد.)

۲. استفاده از نفوذ در سیاسیون و تسلط بر حرکت‌های سیاسی و اقتصاد مملکت بدین گونه که با ترسانیدن سیاسیون از هجوم شوروی امکانات خود را حساب شده در اختیار دولت قرار دهد و کم کم او را وابسته به خود کند؛ نظیر گندم، نفت سفید و...، قطعات یدکی جنگ افزارها، اطلاعات در مورد منطقه و... و همچنین برقراری دوباره قراردادهای صنعتی و کشاورزی و ساختمانی به وسیله شرکت‌های آمریکایی و از همه مهمتر قرار گرفتن در جریان سیاسی مملکت و تعدیل انقلاب به میانه روی و لیبرالیسم و سازشکاری و دفع عناصر رادیکال و عمدتاً خارج کردن جریان امام از صحنه اصلی سیاست داخلی و خارجی ایران.

این روش چون در بلند مدت اتفاق می افتد و احتیاج به مسالمت و نزدیکی با حسن نیت دارد و عمدتاً احتیاج به پایگاه‌هایی دارد که بتواند بدان وسیله نیت خودشان را پیاده کند. مثلاً هنگامی که از طرف ایران گفته می شود، «ما احتیاج به سفیر کبیری داریم (منظور سفیر آمریکا در ایران است) که یار غمخوار انقلاب ایران باشد» این طرز فکر بهترین پایگاه سیاسی برای اجرای این سیاست آمریکا در ایران است.

۵. سرمایه‌گذاری بر روی میانه‌روها

آمریکا به منظور نفوذ در ساختار سیاسی در ایران پس از انقلاب در راستای سیاست های استعمار نو و فرانو، بر روی طیفی از سیاسیون که آن زمان میانه روها خوانده می شده و پایگاه اصلی آنان جبهه ملی و نهضت آزادی بود برنامه ریزی کرده و سعی در تعدیل حرکت انقلابی کردند.

میانه روها که با خصوصیت‌های مختلف شکل گرفته اند به خوبی پایگاهی شدند برای این سیاست آمریکا، یعنی تعدیل انقلاب و به محافظه‌کاری کشاندن سیاست‌های داخلی و خارجی انقلاب اسلامی ایران. همچنین آمریکا در حمایت از میانه روها و لیبرالها در تقویت نیروهای میانه بر میخواست و هدفش تعدیل جهت حاد و انقلابی امام بود و از این جهت در ارتباط با سازمانها و گروه‌های میانه قرار می گرفته است.

سیاست های حمایتی آمریکا از نخبگان و جریان های میانه رو را میتوان به سه دوره تاریخی تقسیم کرد: اول نقشی که مقامات آمریکایی برای میانه روها قبل از انقلاب ، حین انقلاب و بعد از انقلاب در نظر گرفته بودند .

۵-۱. دیدگاه آمریکا در مورد میانه روها قبل از انقلاب

در یکی از اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا ، بیانگر آن است که مقامات آمریکایی به وسیله جریانات و گروه هایی که آنها را میانه رو می خواندند در صدد مقابله با نفوذ روحانیون در جامعه برمی آمدند. در یکی از اسناد سفارت آمریکا آمده است: " ...اگر هر گروه میانه رو و متمایل به غرب که به مبارزه علیه (ملاحا) برخیزد ، درمورد او به عنوان یک گروه (مترقی) با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد." نظریه سولیوان (راجع به حزب رامان) (همان، جلد سوم ۵۶۱)

۵-۲. دیدگاه آمریکا در مورد میانه روها حین انقلاب

در حین انقلاب نیز آمریکایی ها به دنبال آن بودند که به این نتیجه قطعی برسند آیا می توانند به احزاب میانه رو که در جریان انقلاب نیز بعضا دخالت داشته و علیه حکومت طرفدار آمریکا اقداماتی را انجام داده بودند به عنوان یکی از جریانات قابل پیش بینی و هم راستای با منافع خود در آینده ایران تکیه کنند یا نه ؟ در اسناد سفارت آمریکا عدم قطعیت مقامات آمریکایی درباره سرمایه گذاری بر روی جناح میانه رو و تلاش برای به دست آوردن اطلاعات قطعی درباره اهداف مبارزاتی این جریان و هم چنین ارتباط گیری با رهبران آن به صورت مفصل پرداخته شده است. به عنوان مثال در سند به شماره ۰۰۴۷۱ به امضای سولیوان که در تاریخ ۹ ژانویه ۷۹ تنظیم شده ، آمده است:

نظر به ... نکته قابل توجهی که در آنها بود این است که به نظر می رسد رهبران میانه رو اکنون به اندازه کافی از ابراز کردن نگرانیهای خود هراس دارند. در عین اینکه نقطه نظرهای خود را نسبت به ابقاء شاه در چارچوب قانون اساسی ارائه می دهند تا به عنوان تاکتیک یا به دلایل دیگر چنین وانمود کنند که در خط خمینی هستند و این جدایی تا حدی هر دولتی را مأیوس می کند.

آنها از شاه و دولت او از اینکه چندان توجهی به آنان نشده انتقاد می کنند. البته شاید در آغاز کار آنها محق بودند ولی بعدها این انتقاد به خود آنها وارد است که سهامت

انتخاب روش جدایی رانداشتند. البته یکی از دلایل مخالفت رهبران مذکور با خمینی شاید وحشت آنها از افکار عمومی است، زیرا که آنها از دولت باج می گرفتند و سالها زیر سایه دولت هویدا امرار معاش کرده بودند. به عبارت دیگر ملاحظاتی هستند که احتمالاً قبلاً با خمینی کار می کردند و امروز با دولت سازش کرده و باج می گیرند." (همان، جلد دهم ۴۲۷)

۳-۵. دیدگاه آمریکا در مورد نقش میانه‌روها در آینده انقلاب

اما یکی از نکات قابل تامل که در اسناد متعدد به دست آمده آینده پژوهشی درباره سرنوشت گروه‌ها، جریان‌ها و نخبگان و برنامه ریزی باری تقویت یا عدم تقویت آنان به منظور دستیابی یا عدم دستیابی آنان به مشاغل حکومتی در آینده می باشد. به عنوان مثال در دو سند زیر بیانگر برنامه ریزی آمریکایی‌ها بر روی جناح میانه رو با هدف اثرگذاری این جناح در تحولات سالهای آینده نظام می باشد. در این اسناد آمده است:

"... باید در حفظ و تقویت عناصر به خصوص در ارتش، مذهبیهای میانه رو و گروههای غیر مذهبی که قادرند نقش مهمی در حکومت آینده بازی کنند اقدام کنیم..." (همان، جلد دهم ۴۳۰)

"همان طور که امورداخلی ایران به دو شاخه رسمی و غیر رسمی تقسیم یافته سیاست خارجیش نیز چنین است. این سیاست بین دو جریان افکار انقلابی اسلامی و جریان محافظه کارانه، سیاسیون ملی گرا در حال نوسان است؛ نشانه های مشخص از آنجا مشاهده شد که در عرصه بین المللی یک گرایش به سوی کشورهای رادیکال و نیز دوری جستن از اعراب میانه رو پدید آمد؛ حملات دائمی و لفظی به اسرائیل و صهیونیسم و بدگمانی نسبت به ابرقدرتها؛ جناح دیگر تمایل به همکاری دولت با دولتها و کوشش در جهت بنای یک اقتصاد مدرن. این سیاستهای دوگانه تا زمانی که دولت دائمی مستقر نشده باشد و یا این دولت تعویض شده باشد، ادامه دارد. کوشش ما برای معتدل کردن سیاست رادیکال در موقعیت فعلی بسیار محدود است." (همان، جلد چهارم ۶۹)

۴-۵. نقد و بررسی سیاست‌های آمریکا در مواجهه با میانه‌روها

بعد از انقلاب بنا به هدف استراتژیک سیاست آمریکا در ایران یعنی:

- ۱- ما می خواهیم برای ایرانی کار کنیم که میانه رو باشد و ناسیونالیست های مخالف مذهب تسلط بیشتری در اداره مملکت داشته باشند. (همان)
 - ۲- در این موقع حساس هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند. پس باید از در مسالمت آمیز با ایران درآید. (همان، جلد اول ۹۰)
- سعی آمریکا در نفوذ در ارگانها و سیاست داخلی و خارجی ایران بوده و هدفش تعدیل انقلاب اسلامی و حاکم کردن میانه روی به جای افراطی بودن و قرار دادن میانه روها در مقابل حرکت انقلابی امام بوده است:
- "در ملاقات مورخ ۷ جولای با آقای امیرانتظام معاون نخست وزیر، تمایلات آمریکا را برای عادی کردن روابط با ایران، مجدداً متذکر شدم. من از امیرانتظام به خصوص در مورد اقداماتش برای آسان نمودن حرکت به طرف عادی کردن روابط مفید و دوجانبه در دوره بعد از انقلاب تشکر کردم و متذکر شدم که به نظر ما مصاحبه اش در ۲۱ ژوئن در این مورد بسیار مفید بوده است". (همان، جلد دهم ۵۳۷)
- یعنی با ایجاد تفاهم با این نوع میانه روها آنها را در خدمت خود و اهدافشان در می آورند.
- یکی از اسناد قابل توجه در این رابطه سندی است که به گفتگو امیرانتظام با کارمند سفارت آمریکا مربوط می شود. در این گفتگو امیرانتظام راهکارهای خود را برای عادی شدن روابط ایران و آمریکا ارائه داده و خواهان مورد توجه قرار گرفتن این راهکارها از سوی مقامات آمریکایی شده بود.
- "مهمترین نکاتی که به وسیله امیر انتظام عنوان شده عبارتند از:
- عادی کردن روابط ایران و آمریکا باید به آهستگی پیش برود تا سوءظن کسانی را که نظر خوبی نسبت به آمریکا ندارند بر نینگیزد." (همان)
- اسناد فوق به خوبی تمایل آمریکا را برای برقراری رابطه ای فعال با میانه روها نشان می دهد و تمایل میانه روها را برای برقراری روابط با آمریکا و دادن راه حل برای بازگرداندن جایگاه آمریکا در اذهان مردم به خوبی درستی انتخاب آمریکا را برای اجرای سیاستهای خود ثابت می کند.
- در نتیجه بعد از انقلاب میانه روها برای آمریکا می توانستند در موارد زیر مفید باشند.
- (۱) با نفوذ در دولت موقت و افرادی از نهضت آزادی که در دولت بودند و مشی میانه روی داشتند سعی داشتند خواستههای خود را عملی کنند.

۲) میانه رو کردن سیاست مملکت ، از طریق جهت دادن به افراد میانه روی که مسئولیتی بر عهده داشتند صورت می پذیرفت.

۳) پیدا کردن نقاط تفاهم با افراد میانه رو و استفاده از آنها برای مقاصد خود.

۴) ارتباط با میانه روها و خبرگیری و درست کردن منبع خبری جهت اطلاع دقیق از اوضاع مملکت.

۵) اجرای سیاست آمریکا در ایران ، یعنی همان میانه رو کردن انقلاب و سعی در خارج کردن سیاست داخلی و خارجی ایران از حیثه نفوذ خط مشی انقلابی امام به وسیله افراد میانه رو انجام می گرفته است. در حقیقت میانه روها پایگاه اجرایی این سیاست آمریکا بوده اند.

۶) میانه روها قبل از انقلاب با آمریکا در ارتباط بوده و آمریکا مشی سیاسی و فکری آنها را در نظر داشته است تا در مواقع ضروری از آن استفاده کند.

۷) حداقل عملیاتی که آمریکا بر روی افراد میانه انجام می داده است ، برقراری ارتباط و ملاقات با افسران سیاسی سفارت بوده است که با دست گذاشتن روی نقاط مورد نظر آنها اطلاعات و تحلیلهای سیاسی آنها را از اوضاع مملکت به دست می آورده که می توانسته است منابع خبری و اطلاعاتی مهمی باشد.

۸) از آنجایی که خاصیت متقابل میانه روها و آمریکا ، یعنی تمایل میانه روها به ارتباط با آمریکا و حضور آمریکا و سیاستهایش در ایران آنها را وا می داشته که به سفارت آمده و اطلاعات خود را بدهند. سفارت به منابع خبری و افراد مهمی در این زمینه بر می خورده است.

۹) میانه روها از تیپ های مختلف سیاسی ایران بوده اند که بیشتر شامل روشنفکران غربزده و سیاسیون کهنه کاری که نتوانسته اند خود را با جریانات متحول انقلاب اسلامی وفق دهند و همچنین بعضی از روحانیون محافظه کار می شدند.

۶. نقش سفارت خانه های آمریکا به عنوان مرکز اجرایی سیاست های استعماری

بازوی اجرایی آمریکا برای بسط سیاست های استعمارگرایانه خود در کشورهای دیگر سفارت خانه های این کشور است.

سفارت آمریکا در دیگر کشورها به عنوان مرکز فرماندهی عملیات های امنیتی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و نقش مهمی در پشبرد راهبردهای استعمارگرایانه و ارتباط با نهادهای مهم مستقر در آمریکا دارد.

پوشش دیپلماتیک سفارت و ماموران آن نیز مصونیت لازم را برای هم افزا کردن اقداماتی که در داخل کشور هدف در راستای منافع آمریکا قرار دارد در اختیار این افراد می گذارد.

بررسی اسناد سفارت آمریکا بیانگر آن است که تمامی اقدامات سفارت آمریکا در ایران، از صدور ویزا و ارتباط گیری با اهالی فرهنگ و هنر و سیاست و ... گرفته تا برگزاری جشن ها و همایش های عملی و در راستای اهداف امنیتی و سیاسی این کشور بوده است.

بر اساس یک سند مهم، سفارت آمریکا در تهران در نامه ای به وزارت دفاع آمریکا وظایف سفارت آمریکا را بدین گونه شرح می دهد: سلطه بر بازار داخلی، تامین نفت ارزان، تربیت مقامات تصمیم گیرنده به شکل آمریکایی، سرپرستی ارتش، گرفتن امتیاز جاسوسی و بالاخره حکومت کامل بر ایران. نکته آنکه برنامه فقط خاص ایران نیست بلکه در تمام کشورهای زیر سلطه همین خطوط دنبال می شود.

سند زیر با صراحت تمام حکومت انحصاری آمریکا بر بازار ایران، سرپرستی ارتش ایران، سوق دادن اندیشه و فرهنگ ایرانیان در جهت اندیشه و فرهنگ آمریکایی و بالاخره بر هدایت شاه و دولت او در خط سیاست کاخ سفید تأکید می کند. خصوصاً قصد آن دارد که شاه و دولت او در صف متحدان نزدیکتر اسرائیل و رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی (از متحدان اصلی آمریکا) در آیند. همچنین به عنوان یک برنامه عمل مشخص بر تماس هر چه بیشتر با جناح های میانه رو داخلی و مراکز مهم نیرو در "ایرانی در مسیر مدرنیته" اصرار دارد و در جای دیگر بر جلب هر چه بیشتر دانشجویان ایرانی به آمریکا و کنترل و تربیت آنها به شیوه آمریکایی تأکید می ورزد.

متن این سند مهم که به دلیل اهمیت آن و ارتباط کامل با موضوع مورد تحقیق به صورت کامل آمده است به این شرح است:

از : سفارت آمریکا در تهران محرمانه تهران

به : وزارت دفاع واشنگتن

موضوع: هدف و عملکرد سفارت آمریکا در ایران

از اینکه آن وزارتخانه اهداف و محدودیتها را به صورتی ثابت و غیرقابل تغییر شناسایی نکرده است متشکریم. ما مسایل مورد بحث در تلگرام ب را با دقت مطالعه کردیم.

درکل ، مطالب آن به نظر ما واقع گرایانه وقابل دسترسی و منطبق با اهداف ما درایران می باشد. باوجود این ما متن این بیانیه را برای در نظر گرفتن تغییرات وپیشرفتهای اخیر برای منطبق شدن کامل با اهدافمان کمی تغییر داده ایم.

در زیر ، این بیانیه جدید را به طور کامل می آوریم:
شروع مطلب:

-رابطه سیاسی - اقتصادی بر مبنای اعتماد ، اطمینان واحترام متقابل: شامل: بند... ابقا وتقویت رابطه مبتنی بر اعتماد و اطمینانی که با شاه پیدا کرده ایم... گسترش محدوده تماسهای سفارتخانه با بخش های مهمی از جامعه ایرانی و انتخاب گامهایی برای حداکثر کردن تماس با نیروها و گروههایی که در رابطه با مراکز مهم اثر در ایرانی که به سوی مدرنیزه شدن پیش می رود هستند. این عمل موقعیتهایی را نیز شامل می باشد که در اثر بعضی ساده نگری های دولت در مورد فعالیتهای سیاسی پیش می آیند. با در نظر گرفتن اینکه در بعضی از موارد ریسک هایی ممکن است پیش بیاید که می بایست آگاهانه انتخاب و یا رد شوند.

... تشویق کردن آموزگار (نخست وزیر) و کابینه او برای ادامه برنامه های دراز مدت اقتصادی در ایران و برنامه ریزی یک طرح مشخص برای رسیدن به جهش های اقتصادی.

هنگامی که به ناچار منابع نفتی رو به اتمام می روند در این رابطه تشویق کردن و پشتیبانی مقامات ایرانی برای کمک گرفتن متخصصین خارجی و شنیدن توصیه های بانک توسعه بین المللی و منابع مناسب دیگر نیز قدمهای مؤثری است... جهت تحت تأثیر قراردادان مقامات تصمیم گیرنده و نظریه پردازان ایرانی ، از سیاستها و موضعگیری های آمریکا در روابط فیما بین ، از حداکثر ظرفیت و امکانات دفتر اطلاعات آمریکا استفاده کنید.

- رابطه قوی بین ایران و آمریکا در زمینه های غیرنظامی:

... در ادامه صادرات قابل توجه نفت به آمریکا و وابستگان نزدیکش سیاست معتدل قیمت گذاری برای نفت را تنظیم و تشویق کنید.

سیاستها و برنامه های آمریکا را در مورد انرژی و احتیاج اقتصاد دنیا به نفت در سطوح قیمتهای قابل تحمل ، توضیح دهید.

... ازدیاد سهم آمریکا در بازار تجاری ایران را آسان کنید و در این راه از قدرت دفتر سفیر نیز به عنوان پشتیبان استفاده کنید.

... اضافه کنید که چگونه می توانیم قدمهای کمیسیون ارتباط ایران و آمریکا را مؤثرتر کنیم ، از جمله اینکه چطور بخش خصوصی آمریکا را بیشتر در بازار ایران تداخل دهیم.

... برای آمریکا امتیازی در ایران در مورد جمع کردن اطلاعات (جاسوسی) به دست آورید و پشتیبانی برای Pro Quo liaison (QUID) را در پاسخ به این امتیازات ادامه دهید. هر پیشنهاد را برای امتیازی جدید به دقت سبک سنگین کنید تا مطمئن شوید که باعث در خطر انداختن پیشرویهای موجود نشوند.

... سعی کنید که ایران را بیشتر در تلاشهای منطقه ای که برای کم کردن کشت مواد مخدر که در پاکستان و افغانستان صورت می گیرد شرکت دهید تا عبور یا ورود مواد مخدر قاچاق از ایران کم شود.

... با وزارت علوم دولت ایران همکاری کنید تا جوانان ایرانی بیشتری برای تحصیل در آمریکا آماده شوند و به عمل آیند.

... موقعیتهای محصلین ایرانی را که در پی تحصیل در آمریکا می باشند در موارد مناسب ارزیابی کرده و مشورت و تعلیم انگلیسی قبل از عزیمت را زیاد کنید. ... به وارد کردن فشار بر روی ایران در مورد پرداخت بدهیش که در اثر غفلت خودش پیش آمده ادامه دهید.

- به دست آوردن موضع تعدیل شده ای برای ایران در منطقه به عنوان کشور مصالحه گر: دولت ایران را برای ادامه برخورد تعدیل شده با درگیریهای اعراب و اسرائیل و پشتیبانیش برای مذاکرات صلح ما در خاورمیانه تشویق کنید.

... به ایران دستیابی به یک رابطه مثبت با اسرائیل از جمله صدور نفت به آن کشور را توصیه کنید.

... ایران باید با هر تغییر و تحول دوباره ای در پاکستان مخالفت کند.

از همکاری ایران با عربستان سعودی عمان و هر عرب دیگری در مورد امنیت خلیج فارس حمایت کنید و در جریان تحولات امنیتی که در عراق و دیگر کشورهای همسایه پیش می آید قرار داشته باشید.

... یک همکاری متعهدانه با افغانستان ، پاکستان و هندوستان را در زمینه های سیاسی و اقتصادی تشویق کنید.

... ایران را تشویق کنید تا از سیاستهای اصلی ما در آفریقا حمایت کند.

- پیشرفت در اجرای برنامه حقوق بشر در ایران:

... با شاه و دیگر مسئولان در موقعیت مناسبی راجع به سیاست حقوق بشر آمریکا که روی بهبودی حقوق بشر متمرکز شده باشد (که قابل دستیابی است) صحبت کنید و بگویید که این امر مخالف تغییر در سیستم سیاسی می باشد (چون ممکن است باعث دخالت خارجی باشد و مثمرتر نباشد). اینکه یک تصویر عمومی بدی از ایران در این مورد می تواند چه اثراتی روی موضع و موقعیت بین المللی ایران در آمریکا و مناطق دیگر داشته باشد را در نظر بگیرید. (همان، جلد اول ۴۸)

۷. راهبردهای سیاسی - استعماری «نو و فرانوا» آمریکا

بر اساس بررسی های صورت گرفته و مطالعه اسناد سفارت آمریکا، راهبردهای سیاسی - استعماری نو و فرانوا آمریکا را می توان به دو دوره (۱) حکومتگری حکام وابسته و (۲) شرایط انقلابی و کنار رفتن حکام وابسته تقسیم کرد. البته برخی از سیاست های استعماری آمریکا در طول این دوره به صورت مشترک به اجرا در آمده است.

۷-۱. راهبردهای سیاسی - امنیتی آمریکا در زمان حکومت حکام وابسته

(۱) تبدیل سفارت آمریکا به عنوان مرکز عملیات و کنترل راهبردهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و ... در راستای محقق نمودن اهداف آمریکا در کشور هدف
(۲) تاسیس یک شبکه گسترده مستشاری در ارتش، سیاست، اقتصاد و ... و طرح ریزی و هدایت موضوعات مذکور توسط مستشاران در جهت منافع آمریکا
(۳) ایجاد ارتباطات قوی اقتصادی به منظور بالابردن آسیب و حساسیت وابستگی کشور هدف

(۴) بهره گیری از ابزارهایی چون بدهی های بانکی، عدم اختصاص وام، سیاستهای تنبیهی بانک جهانی و ... به عنوان یک اهرم فشار برای پیشبرد اهداف خود در صورت لزوم

(۶) عضویت ایران در اتحادیه ها و رژیم های بین المللی حافظ منافع آمریکا مانند ستو

(۷) تضعیف سنت و مذهب مردم از طریق نخبگان، گروه ها و احزاب حاکم

(۸) ارائه کمک های فکری و مالی برای وابسته نگه داشتن حکام و مسئولان کشورهای

هدف

۷) دشمن هراسی به منظور تشویق کشورهای هدف برای خرید تسلیحاتی یا متکی کردن این کشورها به قدرت سیاسی-امنیتی آمریکا در برابر دشمن فرضی یا دشمن اغراق شده

۵) تقویت و کمک به توانایی کشورهای سلطه پذیر جهت ایفای نقش منطقه ای و بین المللی مثل ایفای نقش ژاندارمی ایران در منطقه.

۶) حفظ و رشد تصمیم گیرندگانی که در راستای منافع آمریکا تشخیص داده می شوند.

۷) شناسایی و جذب نخبگان کشورهای هدف به منظور بهره گیری از ظرفیت آنان در راستای تکنولوژی، اندیشه، فرهنگ و ... آمریکایی

۸) کادرسازی و مزدورسازی در میان ملت های کشورهای هدف بدون برقراری ارتباط مستقیم و با بهره گیری از شیوه های سازمان های جاسوسی.

۹) ایجاد شبکه های تلویزیونی و رادیویی ماهواره ای به زبان بومی کشورهای هدف برای تاثیرگذاری بر اذهان و افکارسازی؛

۱۰) هدایت فضای سیاسی و فرهنگی کشورها از طریق افکار سازی و نفوذ شبکه های رادیو، تلویزیون و مطبوعات و همچنین رسانه های جمعی خارجی (بومی و انگلیسی زبان)

۱۱) آگاهی از پروژه های در دست احداث کارخانجات، منابع زیرزمینی، قراردادهای معاملات و نقاط ضعف و قوت کشورها، از طریق تسلط بر شبکه های سخت افزاری و نرم افزاری اطلاعاتی و ارتباطی

۱۲) تأمین، برقراری، نگهداری و استفاده بلامانع از تسهیلات اطلاعاتی و نظامی در قلمرو کشورهای هدف.

۲-۷. راهبردهای سیاسی - امنیتی آمریکا زمان انقلاب و روی کار آمدن نخبگان جدید

۱) ایفای نقش سفارت آمریکا به عنوان مرکز عملیات و کنترل راهبردهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و ... در راستای محقق نمودن اهداف آمریکا در کشور هدف

۲) تضعیف سنت و مذهب مردم از طریق نخبگان، گروه ها و احزاب میانه رو

۳) آینده پژوهشی درباره سرنوشت گروه ها، جریانات و نخبگان و برنامه ریزی برای تقویت یا عدم تقویت آنان به منظور دستیابی یا عدم دستیابی آنان به مشاغل حکومتی در آینده

- ۴) بهره گیری از ابزارهایی تنبیهی چون بدهی های بانکی ، عدم اختصاص وام ، سیاستهای تنبیهی بانک جهانی و... به عنوان یک اهرم فشار برای پشبرد اهداف خود در صورت لزوم
- ۵) حمایت از جریان های میانه رو و مخالف انقلابی گری برای ایجاد موانع داخلی در مسیر انقلاب های ضد آمریکایی
- ۶) جذب ، سازماندهی و شبکه سازی از افرادی که با جریان ها و گروه های مخالف آمریکا زاویه دارند با هدف نفوذ دادن آنان در ساختار سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و ... کشور هدف
- ۷) حمایت مستقیم و غیرمستقیم از گروه های و جریان سکولار مانند ناسیونالیست های ضد مذهب
- ۸) کمک به ثبات سیاسی داخلی در زمان تصدی احزاب میانه رو (نهضت آزادی) به منظور تثبیت قدرت آنان
- شناسایی و جذب نخبگان دیگر کشورها با هدف بهره گیری از ظرفیت آنان در راستای تکنولوژی ، اندیشه ، فرهنگ و ... آمریکایی
- ۹) حفظ و رشد تصمیم گیرندگانی که در راستای منافع آمریکا تشخیص داده می شوند.
- ۱۰) کادرسازی و مزدورسازی در میان ملت ها بدون برقراری ارتباط مستقیم و بابهیره گیری از شیوه های سازمان های جاسوسی
- ۱۱) ایجاد شبکه های تلویزیونی و رادیویی ماهواره ای به زبان بومی کشورهای هدف برای تاثیرگذاری بر اذهان و افکارسازی؛
- ۱۲) هدایت فضای سیاسی و فرهنگی کشورها از طریق افکار سازی و نفوذ شبکه های رادیو، تلویزیون و مطبوعات و همچنین رسانه های جمعی خارجی (بومی و انگلیسی زبان)
- ۱۳) افزایش ابزارهای نفوذ و هدایت گروه های سایسی احزاب و نهادهای مردمی به ویژه در زمان بی ثباتی سیاسی که نفوذ راحت تر است
- ۱۴) جلب اعتماد مقامات دولتی با اتخاذ راهکارهایی چون پرهیز از مجادله ، همکاری کامل و ... مثلا در مورد با ایران در هر زمینه ای که از سوی مقامات ایرانی پیشنهاد شود مانند مبادلات خبری، توسعه کشاورزی، کنترل مواد مخدر ، به وجود آوردن کار و استخدام و ...

- ۱۵) سرنگونی رژیم مخالف با سیاستهای آمریکا از طریق ، کودتا، اشغال، ایجاد درگیری های قومی و محلی و مذهبی، تحریم های اقتصادی و ...
- ۱۶) تغییر نگاه فرهنگی مردم برای فراهم سازی شرایط جابجایی نخبگان انقلابی با نخبگان میانه رو طرفدار آمریکا

۸. نتیجه گیری

بر اساس پژوهش انجام شده ، ایران دوران محمدرضا شاه پهلوی مرحله گذار از استعمار نو به فرانو بوده است. به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد و افزایش نقش آمریکا در تحولات داخلی ایران به موازات تحولات بین المللی این کشور سعی در اجرای سیاست های استعماری بر پایه استراتژی استعمار فرانو داشته است.

در این بین سفارت آمریکا در ایران به مثابه مرکز فرماندهی عملیات نقش مهمی در طراحی و اجرای عملیات های متنوع در حوزه های گوناگون به ویژه حوزه های سیاسی و امنیتی دارد. ارتباطات گسترده سفارت با بخش های امنیتی و سیاسی آمریکا ، اجرای سیاست های امنیتی و نظامی همچنین حضور نیروهایی که مستقیماً وابسته به پنتاگون و سازمان سیا بودند لازمه نقشی بوده که برای سفارت آمریکا در ایران در نظر گرفته شده بود.

با توجه به وقوع انقلاب در ایران و حاکم شدن جو ضد آمریکایی در میان مردم و قاطبه نخبگان ، مقامات آمریکایی مجبور شدند خود را با شرایط جدید وفق داده و تغییری در راهبردهای سیاسی خود در قبال ایران به وجود آوردند ، به همین دلیل میتوان اجرای راهبردهای سیاسی - استعماری نو و فرانو آمریکا را به دو دوره قبل از انقلاب و بعد از انقلاب تقسیم کرد. مشخصه اصلی دوره قبل از انقلاب روی کار بودن دولت دست نشانده آمریکا بوده که در این دوره غالب راهبردهای آمریکایی ها در راستای استراتژی استعمارنو قابل تحلیل است . دوره دوم یا دوره بعد از انقلاب که با توجه به سقوط دولت دست نشانده محمدرضا پهلوی دولت آمریکا مجبور شد لایه بندی سیاست های خود را افزایش داده و غیرمحسوس سیاست های خود را برای نفوذ در ساختار قدرت نظام جدید به اجرا گذارد.

مهم ترین راهبرد استعماری آمریکا در دوره اول را می توان ایجاد شبکه گسترده مستشاران در حوزه های متنوع سیاسی ، امنیتی ، اقتصادی و ... با هدف کنترل و هدایت

نظام شاهنشاهی ایران در راستای منافع آمریکایی و همچنین حفظ مسئولان وابسته و تربیت افراد وابسته جدید برای تصدی مسئولیت های حکومتی در آینده برشمرد . مهم ترین راهبردی استعماری آمریکا در دوره دوم نیز جذب ، تقویت و حمایت از نخبگان ، گروه ها و احزاب میانه رو که غالب آنان دارای روحیه سکولار هستند می باشد. هدف آمریکا از اتخاذ این راهبرد نفوذ دادن افراد و گروه های مذکور به ساختار حکومت با هدف اولیه ایجاد مانع در گسترش روحیه انقلابی گری و هدف نهایی استحاله ، انحراف انقلاب از آرمان های آن و نهایتاً فروپاشی انقلاب می باشد.

منابع

- الهی، همایون. (۱۳۸۲). شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم. چاپ دوم، تهران: قومس
- حق شناس، زهرا . (۱۳۸۷). استعمار فرانویین و جهانی شدن. مجموعه مقالات استعمار فرانوی. چاپ اول. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
- رهدار، احمد. (۱۳۸۷). استعمارفرانو، عناصر، انگاره ها و فناوری های سلطه. مجموعه مقالات استعمار فرانوی. چاپ اول. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
- واعظی ، حسن. (۱۳۸۷). استعمارفرانو، جهانی سازی و انقلاب اسلامی . چاپ اول. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- واعظی، حسن. (۱۳۸۳). استراتژی سلطه. تهران: سروش
- واعظی، حسن. (۱۳۸۶). اسناد لانه جاسوسی آمریکا (دوره ۱۱ جلدی). چاپ اول. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی